

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق ...

## خون شهدای ۱۶ آذر پیام اتحاد ماست



صطفی بزرگ نیا



ناصر قد چسی



شریعت رضوی

ایران و امپریالیسم پشتیبان و ویرا  
برانگیخته است. کودکان ۲۸ مرداد  
۲۲ فرصت مناسبی بودند تا ارتجاع گام  
کسیخته و امپریالیسم کینه ور و بیسناک  
از دانشجویان مبارز ایران انتقام  
بگیرند و آرزوی دیرینه خود را سرکوب  
کنند. دانشجویان علمی سازند. به  
خون کشیدن تظاهرات دانشجویان  
دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۳۱ -  
نخستین ضربه برای نیل به این هدف  
بود. بدیهی است که رژیم ضد خلقی  
کودتایه این صریحانیت آمیز انتفا  
نکرد. هجوم و تیراندازی در مسال های  
بعد از آن انواع توطئه تکمیل شد. -  
دانشگاه های ایران هم در تحت نظارت  
سازمان امنیت قرار گرفت. به انحصار  
زادگی درآمد. کتابخانه های آن غارت  
شد. انجمن های دانشجویی منحل  
گردید. منشور دانش و معرفت حسای  
خود را با تحمیل سرنگونه عمو کرد. -

دانشجویان دسته دسته اخراج شدند، زندانها و شکنجه گاهها  
را پر کردند، شریازخانه «ا» تجمید گشتند، بارها دانشگاهها و  
دانشکده ها تعطیل شدند، حتماستادان شریف از این تحقروا  
بورژوازی صوبون نماندند. توتاهو صوبون یوستو با عقوبت سخت  
پاسخ داده شد. - زمینمان سیضوه دوزخی خود را بر دانشکاهها  
گسردند. - ولی اینک سراز ۲۴ سال با قاطعیت می توان وقت  
که رژیم روز و اختناق در سرکوب دانشجویان و در توطئه های  
رنسارت، خود برای جلب رفریب ریاحتی بی طرف نگاهداشتن آن ها  
ناشکست، محشی ریبو شده است. - چنین بر توان والهام بخشنه  
دانشجویی نه تنها در میان شکنجه گاهها و در ظنین لوله های  
سحر امان اتمام محو نشد، نه تنها عبار شعیده نریها و دغز بازو،  
ناباه روشن و نایند آن راتیره نرد، بلکه علم در سطح وهم در  
نمر به گزاینده گستر دریافت.

بستردنی جنبه در در سطح و جوان در تعدد و این حیره،  
اسرار این را، دانشجویان به شاکست نامی بر نه در

۱۶ آذر روز هجوم گرازها به دشت شقایق، پریش دانشگاه و شمشید  
دانشجو، اسال در شرایطی بزرگزارو شونده صوبن مابه در راتو  
توفانی و پرتلاطم گانهاده است.

۱۶ آذر ایذاک تنها یک خاطره دور دست رزم و خون نیست،  
میراد روز و لحظه است. - سنتی است که هر روز جوان ترو شود و  
آگاه تر و دلیر تر به مبارزه های رود تا تبدیل به عزم و نیرو شود و  
در آرمانهای خلقی بشنقد. بیست و چهار سال پیش در چنین روز  
حون در دانشجوی مبارز توده ای ( صطفی بزرگ نیا و مهدی  
شریعت رضوی ) با خون شریف یک آزادیخواه ملو ( احمد قدحی )  
در صحن دانشگاه به خاک ریخت و به هم پیوست. در این  
پیوند رمز و کثابتی بود: به تمامی مبارزان با نومی زد. -  
در یک آتش و در یک سنگر یکدیگر شویید، از خون های بی شمار و  
حد از عزم خود متن ستبر یکنه ای بسازید. بیروزی شما در -  
یکانگی شاکست.

و این صدای بواز رنج و عزم پیر از ۲۴ سال نبرد پراکنده  
با جانانیت بیشتر و ضرورت مکتدتری در پهنای صوبن ما گنمین  
انداز است:

" دشمن ما در میان ماست. او حدایی ماست. "

در این ۲۴ سال به برکت رژیم استبداد و سرنگونه خون ردهها  
دانشجوی آزادیخواه در پای همان نهالی که از شوره جان بزرگ  
نیا و رضوی و قدحی نوشید، ریخته شد. نهالی ۱۶ آذر اینک  
در دشت تنهاری است با شاخساران انبوه آه بر ترشاحه آن دامن  
دامن شکوفه های خونین سرود می خوانند. به جای تحصیل  
نغانی از شاخه این دانههای شوریده و سوزان که در ریبای  
خلق خود پیرو شدند، به ارمیه معشوی، آنان چشم بدوزیم و از آن  
بیا موزیم. - جمع بیست تجربه با این سالهای خون و جعاسه و پیهاره  
نه تنها رساترین تبدیل، هه دیو است به رد ما بیامخسی  
است به ندای غرورتو ه میدان خار حبه ای نبود عده بییم  
خلق ما آن را آوازی خوانند ...

### جنبش دانشجویی در راه تکامل

فصلت شد امپریالیستی و دموکراتیک جنبش دانشجویی ایران  
و سهم موثری که این جنبش در نهضت عمومی ضد امپریالیستو  
دموکراتیک مردم ایران داراست. - مواره شری و هجوم ارتجاع

کشانده شد قشرهای وسیع تری از دانشجویان به مبارزه در همگانی شدن بیکار در تمامی دانشگاهها و تظاهرات گسترش در عمق را می توان از رشد آگاهی قشرهای هر چه انبوهتری از دانشجویان، در ژرفای خصلت ضد امپریالیستی و دموکراتیک مجموعه جنبش در پختگی شعارها، شیوه ها و اقدام ها دریافت. و این غنا و باروری انقلابی در شرایطی است که شدت و دامنه ترور و اختناق و توحش رژیم شاه - ساواک ایجاد بسی سابقه ای به خود گرفته است. بررسی علل این تکامل است که می تواند جنبش دانشجویی را باز هم به سطح عالی تری ارتقاء دهد.

### رشد آگاهی دانشجویان

آگاهی دانشجویان نسبت به گذشته افزایش یافته و همچنان ریزه افزایش است. این واقعیت را در سه زمینه می توان مشاهده کرد:

۱- رژیم، ترور پلیسی را با عوام نریمی و حتی اقدامات معین و فریبستی در آمیخته است. در رژیم آن است که از یک سو با تهدید و ارتعاب و از سوی با تحمیل و تطبیع دانشجویان را با به سوی خود جلب کند و با اقل به سکوت وادارد. ولی رژیم در هر دو زمینه با شکست نهایی روبرو شده است. ترور پلیسی با وجود تلفات و قربانی های فراوانی که به بار آورده، نتوانسته است مقاومت دانشجویان را در هم شکند و جنبش دانشجویی را سرکوب کند. نایابوری به امراض آتلی شاهانه در میان قشر ای هر چه وسیع تری از دانشجویان گسترش می یابد دانشجویان سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک و ایران برپا داده رژیم بیشتر از پیش تری می بوند و برای مبارزه با این سیاست هر روز آمادگی بیشتری نشان می دهند.

۲- جنبش دانشجویی در ایران بر انحرافات، کجروی ها و اشتباهات درونی خود غلبه می کند. تا این زمان رشد از جمله در توجه به مبارزه منفی و کزینت شعارهای مناسب منفی، در پیوند دادن مبارزات منفی و سیاسی، در انتخاب شعارهای مناسب سیاسی، در تلفیق مبارزات منفی و سیاسی، در انتخاب شعارهای مناسب سیاسی، در تلفیق مبارزه منفی و مثبت، در گسترش پیوند با توده های مردم، در تلاش برای تجدید ساختن نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری و توان مشاهده کرد.

۳- راه به اندیشه ای سوسیالیستی و افزایش است. این زایش راه هم در سطح و هم در عمق می توان دریافت. در سطح به این معنی که سوسیالیسم به عنوان تنها راه واقعی برای نیل به تحویل بنیاد پر جامعه به سو در زحمت کشان برای ساختن جامعه ای آزاد و مستقل و فارغ از استثمار، فقر و جهل از طرف دیگر راه رودهای هر چه انبوه تری از دانشجویان پذیرفته می شود.

### پیوند مبارزات منفی و سیاسی

پیوند مبارزات منفی و سیاسی بگو از بغرنجی های عمر جنبش بوده ای است. جنبش دانشجویان ایرانی نیز با این بغرنجی ها مواجه بوده و هست. اثر توجه داشته باشیم که جنبش دانشجویی، به گونه هر جنبش بوده ای دیگر، از افرادی با درجات مختلف از آگاهی سیاسی و اجتماعی و وابستگی های متفاوت سیاسی و ایدئولوژیک تشکیل شده، آنگاه مسئله اصلی در این پیوند آن است که چگونه می توان اکثریت هر چه وسیع تری از دانشجویان را نه فقط به مبارزه در راه تحقق خواست های مشترک منفی بلکه در عین حال به مبارزه در راه خواست های مشترک سیاسی جلب کرد. به دیگر سخن، چگونه می توان همان خصلت توده ای را که هر مبارزه منفی در راست میابد دارا باشد. در مبارزه سیاسی نیز حفظ کرد. و این البته آرسا دلالتی نیست.

حل درست و موفقیت آمیز این مسئله قبل از همه به سطح و درجه رشد مجموعه جنبش و به آگاهی، اردانی و نیروی پیشاهنگ جنبش وابسته است. به «مبنی جهت در این زمینه اما آن بروز در انحراف وجود دارد:

۱- انحراف راست از جانب کسانی که مبارزه منفی را مطلق می کنند و خواهند جنبش دانشجویی را به مبارزه در راه خواست های منفی محدود سازند.

۲- انحراف چپ از جانب کسانی که مبارزه سیاسی را مطلق می بینند و می خواهند از جنبش دانشجویی حزب حاضر یا ایدئولوژی خاص بسازند.

در این جا البته صحبت بر سر بروز اشتباه در این دو زمینه نیست و نه ممکن است در این با آن مورد معین از جانب مبارزان دانشجویی و حتی پیشاهنگ نیز روی دهد. مسئله بر سر برخورد اصولی به ما است، حاصلت و و اذیف جنبش دانشجویی است که ازین سیستم تری سرچشمه می آید. بر این، شالوده است که مظهر انحراف راست معمولاً عناصر سازشکار یا وابستانان به رژیم اند و مظهر انحراف چپ، عناصر رزرهاهای تندرو و چپ نما.

تا همین گذشته نزدیک حیدر روی در جنبش دانشجویان ایرانی انحراف عمده بود. این انحراف به طرز عمده، به صورت نگر مبارزه منفی و منفی استناد از امانات ملنی و طرح آن شعارهای سیاسی که یا فقط پیشاهنگ را جلب می کرد و یا در لحظه مورد معین، اما به نام مناسب و نادرست بود، روزی کرد. نتیجه این بود که اقدام محدود می ماند و بیروزی راینسی به دست نمی آمد، تلفات بیشتر از اندازه لازم می شد و نگاه به رژیم برای سرکوب خشونت آمیز جنبش بیبانه می داد. . . . ولی از چندین پیش با منفرد شدن نظام عناصر منحرف، با تصحیح اشتباه عناصر اشتباه کار ملی صادق و با حسن نیت، با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته، توجه به مبارزه

آگاه توده های دانشجو، به نشان دادن آن ها به مبارزات اجتماعی و به تشکل آنها کمک می کند. آنها در می یابند که چگونه مبارزه منفی، در شرایط تورور و اختناق می تواند به سرعت به مبارزه سیاسی تبدیل شود و تبدیل هم می شود. آن ها بهیچ از پیشتر لحظه مناسب را برای طرح شعارهای سیاسی مناسب و تلفیق آن با شعارهای صنفی مناسب می گیرند و از آن با مهارت بهره می گیرند. بیوند دادن اعتراض به خرید اسلحه از آمریکا و بستن یا کنسرسیون غارتگر، با خواست لغو حق ثبت نام در کنکور های عمومی و اختصاصی، اعتراض به شهریه های سرسام آور و طرد عمال سازمان امنیت و کارد از ساحت دانشگاه در سالهای پیش، و اعتراض به انحلال انجمن ها و تعاونی ها و کتابخانه های دانشجویی و آمیختن آن با خواست های توده ای آزادی نظم و اجتماعات و حکومت خود کامی استبداد و آزادی زندانیان سیاسی در سال جاری انعکاس از این واقعیت است.

درستی و ثمر بخشی چنین روشی را در گسترش جنبش دانشجویی در مبارزه به خاطر خواستها و نظایر آن می توان مشاهده کرد.

### تلفیق مبارزات صنفی و علمی

در شرایط تورور و اختناق ضرورت وجود سازمانهای صنفی، حتی است. بدون سازمان صنفی هیچ مبارزه ای از پیش نمی رود. در همان حال استفاده از امکانات قانونی و علمی برای پیشبرد مبارزه نیز تردید ناپذیر است، چرا که بی این بهره گیری امکان تعارضات و تضادها، امکان تجهیز و تشکل و به مبارزه کشاندن توده ها به حداقل تقلیل می یابد. و این مانع گسترش مبارزه است.

نکته دیگر این که در شرایط تورور و اختناق، سازمان های صنفی علی الاصول سازمان های سیاسی هستند. برهان این امر، سلب فعالیت علمی این سازمانهاست. اما سازمان های توده ای باید علمی باشند، چرا که در غیر این صورت گستره و خصلت توده ای خود را از دست می دهند. آزمون های بی شمار به اثبات رسانده است که رژیم تورور و اختناق حتی فعالیت علمی سازمان های توده ای را در ماکرانتیک راکه لبه های تیز آن سائید و شده، تحمل نمی کند. چه بسا که این رژیم سبع و ترسان، هرگونه فعالیت علمی را ممنوع می کند (مانند سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد) و در اوضاع و احوالی که مجبور می شود، فقط به سازمان های توده ای ساخته خود و بیانت تحت کنترل خود اجازه فعالیت علمی می دهد (مانند وضع کنونی). در چنین شرایطی وظیفه سازمانهای سیاسی صنفی و مبارزان انقلابی است که در عین مبارزه برای تشکل سازمانهای توده ای علمی، در سازمان های موجود، ولو آن که ساخته رژیم و بیانت تحت کنترل آن باشند، فعالانه شرکت کنند و از تمامی امکانات این سازمانها برای دفاع از منافع توده ها، برای آگاه ساختن آن ها، برای تجهیز و تشکل آنها و برای جلب آنان به فعالیت انقلابی استفاده کنند.

در جنبش دانشجویی ایران در گذشته ای نه چندان دور

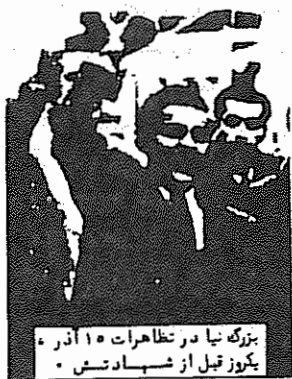
استفاده از امکانات قانونی و علمی و شرکت در سازمان های موجود ساخته یا تحت کنترل رژیم، به عنوان این که کپا ایمن رونق نظری نیست، رد می شد، ولی با غلبه بر چهره های اینک به تدریج توجه به بهره گیری از امکانات قانونی و علمی و تلفیق مبارزه پنهانی و آشکار، افزایش می یابد. توجه به این مسئله امکانات جدیدی را برای گسترش جنبش دانشجویی به وجود آورده و می آورد.

### پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق

جنبش دانشجویی، بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران است. در این واقعیت تردیدی نیست. ولی با تصدیق و تکرار این واقعیت، مسئله حل نمی شود. جنبش دانشجویی فقط زمانی واقعا بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق های ایران است که با مبارزه صنفی و سیاسی خود به تقویت و پیشرفت این نبرد خلقی یاری رساند. و این تنها هنگامی میسر است که مبارزه صنفی و سیاسی جنبش دانشجویی با منافع و مصالح بیکار ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران منطبق باشد، که جنبش دانشجویی از خواست ها و مبارزات سایر طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و دموکراتیک پشتیبانی کند و بتواند متقابلا پشتیبانی طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و دموکراتیک را از خواست ها و مبارزات خود جلب نماید. به دیگر سخن فقط حفظ و تحکیم و توسعه پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق است که می تواند هم برای حفظ و تعمیق خصلت بیکار جوانه و انقلابی جنبش دانشجویی و هم برای پیروزی مبارزه صنفی و سیاسی آن، تضمین جدی و واقعی باشد. علاوه بر این اگر درست است که تاهین رهبری طبقه کارگر در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک، پشتوانه ظفر نهایی و قطعی جنبش و تعیین کننده تکامل آتی جنبش به سوی سوسیالیسم است، آنگاه جنبش دانشجویی نیز به عنوان بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باید رهبری طبقه کارگر را بپذیرد و برای تحکیم پیوند با جنبش کارگری بکوشد.

در گذشته ضمن این که در لزوم پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق ابراز تردید نمی شد، بروز برخی پدیده های انحرافی صنفی و ناسالم، عطا این پیوند را در خطر سستی و کسختی قرار می داد. طرح شعارها و دست زدن به اقداماتی که نمیتوانست پشتیبانی خلق را جلب کند و اصولا عدم توجه کافی به جلب حمایت مادی و معنوی خلق از جنبش دانشجویی، عدم توجه کافی به پشتیبانی علمی از مبارزات طبقات و قشرهای مختلف مردم انزوا در "رسالت تاریخی" جنبش دانشجویی تا حد نفی نقش رهبری طبقه کارگر، از جمله نمود های عوامل بروز این خطری بود. اما نیرو و روششناسی تحریر، اثرات شکستی انگیز پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق را نشان داد. بهترین جلوه این واقعیت اعتصابات و تظاهرات چندروزه در تهران به سال ۱۳۴۸، غلبه گرانی بلیت اتوبوس و در هفته های اخیر حمایت توده ای از شعارها و مبارزات دانشجویی و پیوستن مردم و

با تئوری پلیسی، برای افشا عوامفریبی های رژیم، برای غلبه بر موانع عینود هنی، برای ازمیان برداشتن تمامی آثار پدیده ها، افکار و اعمال ضعیف در درون جنبش دانشجویی، هنوز نیاز به تلاش فراوان است، ولی آنچه در این مرحله امید انگیز و نیروبخش است، این که جنبش دانشجویی ایران، در پیج و خم صبارزه راه خود را به پیش می کشاید، هر روز توان بیشتری می گیرد و به سطح عالی تری ارتقا می یابد.



بزرگه نیا در تظاهرات ۱۵ آذر،  
یکروز تیل از شهادتش.

دانشجویان در روند گسترده تظاهرات و اعتراضات خیابانی بود. این که تظاهرات اعتراضی علیه کرانی بلیت اتوبوس علی رغم تئوری پلیسی پیروزشد و این که تظاهرات هفته های اخیر دانشگاه در پیوند با کوجه و بازار و در بر تو شعار های ضربه ای و مناسب روز، که دامنه بی سابقه و شور انگیزی یافته است، دلیل محکمی بر تأیید این واقعیت است که در برابر جنبش همگانی و متحد خلق، هیچ نیرویی قادر به مقاومت نیست. بر بنیاد همین آزمون عوامی و غلبه بر پدیده های منفی است که پیوند جنبش دانشجویی با جنبش خلق بیشتر از پیش تحکیم می یابد و دو رنمای ستیزه و قیام های همه گیر و انقلابی خلق نزدیک تر و روشن تر می شود. . . .

### اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری

تشت فکری و تفرقه سازمانی بین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، در جنبش دانشجویی نیز بازتاب یافته است. و جز این گریز و گریزی نیست. چه بسا - به دلایلی معین - این تشتت و نفاق در جنبش دانشجویی آشکارتر و شدید تر عیان می شود. آن عوامی که در بروز این تشتت و پراکندگی و حفظ آن دخالت دارند، یعنی ضعف عمومی جنبش، ضعف عمومی حزب طبقه کارگر، ضعف عمومی سازمانهای اپوزیسیون غیر پرولتری، فقدان آزادی های دموکراتیک، فعالیت نفاقی افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم و ارتجاع، آنتی کمونیسم و غیره، در جنبش دانشجویی هم درست اندر کارند.

این که این تفرقه و فاصله و ناسازگاری تا چه حد برای جنبش دانشجویی زیان بخش است - و تاکنون چه لطماتی به آن زده است - و این که شرط اساسی هر موفقیت و پیشرفت واقعی، تأمین اتحاد تمامی نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در جنبش دانشجویی است، نیازی به تأکید ندارد. در برخورد با این واقعیت است که تلاش باید بخشی از جانب مبارزان صریح و آگاه دانشجویی برای تأمین اتحاد در داخل نهضت دانشجویی صورت می گیرد. و اگر درست است که پدیده مثبت و منفی در یک بخش از جنبش می تواند به بخش های دیگر جنبش نیز منتقل شود، آن وقت تلاش برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در داخل جنبش دانشجویی و موفقیت در این زمینه می تواند منشا آثار مثبت و حاصلخیز در سایر بخش ها و در مجموعه جنبش خلقهای ایران گردد.

### جنبش دانشجویی راه خود را می گشاید

بر شالوده این بررسی اختصاری، می توان به بازگویی این نتیجه پرداخت که جنبش دانشجویی ایران به رغم تئوری پلیسی و عوامفریبی های رژیم شاه - ساواک، و با وجود مشکلات عینی و ذهنی که در برابر خود داشته و دارد، دسترنجی یابد و وارد مرحله کیفی نوینی می شود. روشن است که برای مقابله

دشمن مردم حمله گر و قسی و پختیبانان آن آزمند  
وزود مندهند. تنها بازوهای متحد همه مخالفان  
رژیم می تواند چنین دشمنی را درهم شکند.  
تفرقه نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی بهترین  
«ارمغان» به این رژیم است. در راه وحدت  
عمل همه نیروها و عناصر ضد رژیم از هیچ  
کوشش و ترمیمی دریغ نکنیم.  
همکاری همه نیروهای ضد دیکتاتوری  
در یک جبهه واحد تحت شعار سرنگونی  
استبداد و رژیم ضرور و اجتناب نشدنی  
اشکال مختلف و ثمر بخش مبارزه انقلابی  
چنین است مقدمات ضرور برای پیشرفت  
و پیروزی جنبش ضد استبدادی در سپهر ما.

